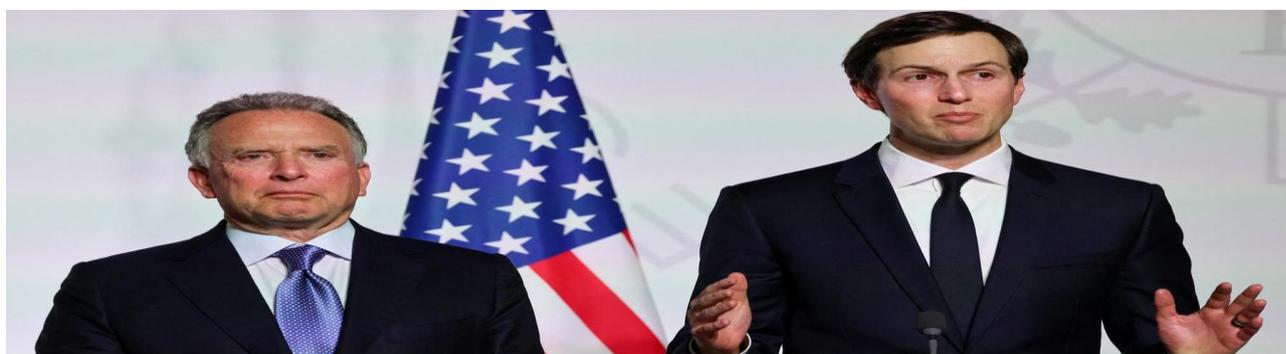


نویسنده: جینی پر کاواناگ «Jennifer Kavanag».
منبع و تاریخ نشر: ریسپونسیبل ستیت گرفت «2026-03-09».
برگردان: پوهندوی دوکتور «MD» سیدحسام «مل».



آیا حالا که خاورمیانه در آتش است،
اوکراین نان تست (نان در آتش سرخ یا
ککریک شده) صلح است

*Is Ukraine peace toast, now that the Middle
East is on fire?*

جنگ ترامپ علیه ایران، روسیه را در جایگاه برتر قرار داده است،
در حالی که اعتماد به نقش واشنگتن در مذاکرات در پایین ترین حد
خود قرار دارد

*Trump's war on Iran has left Russia is in the catbird seat
while trust regarding Washington's role in the negotiations
is at critical lows*

دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا، با وعده پایان دادن به جنگ‌ها به کاخ سفید آمد، اما هفته گذشته، در عوض، جنگ جدیدی را آغاز کرد، زمانی که دستور چیزی را داد که کاخ سفید آن را عملیات «دفاعی پیشگیرانه» در پاسخ به «تهدید قریب الوقوع» ایران می‌نامد.

آغاز یک درگیری دیگر به ابتکار آمریکا در خاورمیانه، ضربه‌ای مضاعف به جاه طلبی ترامپ به عنوان یک صلح طلب وارد می‌کند. این درگیری آشکارا، شاید برای همیشه، مذاکرات میان تهران و واشنگتن بر سر آینده برنامه هسته‌ای ایران را از مسیر خود خارج کرده است. اما همچنین احتمالاً با یکی دیگر از اولویت‌های ترامپ تداخل خواهد داشت: پایان دادن به جنگ چهار ساله بین روسیه و اوکراین.

درگیری در ایران احتمالاً مسیر بلند مدت عملیات ویژه نظامی روسیه را تغییر نخواهد داد. با این حال، جنگ را طولانی‌تر کرده و رسیدن به آتش بس را دشوارتر خواهد کرد. پیامدهای جنگ ایران نه تنها اهرم ایالات متحده بر هر دو طرف درگیر را تضعیف می‌کند، بلکه پیامدهای اقتصادی و نظامی آن به کیف و مسکو انگیزه می‌دهد تا تلاش‌های دیپلماتیک را کند کنند. دستیابی به موفقیت هنوز امکان پذیر است، اما این موانع به این معنی است که صلح در اوکراین احتمالاً راه درازی در پیش دارد.

گفتن اینکه مذاکرات با میانجیگری ایالات متحده بین روسیه و اوکراین در ماه‌های اولیه سال ۲۰۲۶ موفقیت‌آمیز بود، اغراق‌آمیز است، اما از هر نظر، پیشرفت اخیراً اگرچه کند، اما معنادار بوده است. به عنوان مثال، مقامات آمریکایی گزارش دادند که دو طرف به توافقاتی در مورد نظارت بر آتش بس پس از درگیری رسیده‌اند. اکثر مسائل بزرگ، مانند تضمین‌های امنیتی برای روسیه و اوکراین، توانایی‌ها و هم‌ترازی نظامی اوکراین، گسترش ناتو و قلمرو، هنوز حل نشده‌اند. اما به نظر می‌رسد همه طرف‌ها خوش بین هستند که با گذشت زمان و جلسات مداوم، می‌توان به توافقی دست یافت.

اکنون، حدود یک هفته پس از جنگ ایالات متحده در ایران، تصویر بسیار مبهم‌تر به نظر می‌رسد. به نظر می‌رسد مذاکرات صلح متوقف شده است و اطلاعات یا علاقه کمی از سوی دولت ترامپ در مورد زمان بندی یا دستور کار دور بعدی وجود دارد.

برخی از موانع ادامه مذاکرات ماهیت لجستیکی دارند. به عنوان مثال، تشدید سریع جنگ، برگزاری جلسات در مکان‌هایی مانند ابوظبی را غیرممکن می‌کند. پهنای باند در دولت ایالات متحده یکی دیگر از محدودیت‌های احتمالی است. استیو ویتکاف، فرستاده ویژه، اکنون که مذاکرات با ایران به طور نامحدود به حالت تعلیق درآمده است، ممکن است وقت کافی داشته باشد، اما سایر بازیگران کلیدی در وزارتخانه‌های امور خارجه و دفاع مشغول مدیریت اثرات داخلی و جهانی جنگ خاورمیانه‌ای رئیس جمهور ترامپ خواهند بود. آنها ممکن است به سادگی برای سفرهای مکرر به مکان‌های بی‌طرف در اروپا یا جاهای دیگر در دسترس نباشند.

سایر موانع موجود در روند دیپلماتیک، مخرب تر هستند.

برای شروع، تأثیر درگیری بر قیمت‌ها و عرضه جهانی نفت، به اقتصاد ضعیف روسیه جان تازه‌ای می‌بخشد و می‌تواند علاقه مسکو به مذاکرات را کاهش دهد. درد اقتصادی هرگز دلیل تصمیم ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه، برای پایان دادن به جنگ نبود، اما با درگیری در خاورمیانه که صادرات نفت را مختل کرده و باعث افزایش شدید قیمت‌ها و تقاضا برای نفت روسیه شده است، دولت ترامپ هرگونه اهرم اقتصادی که ممکن بود داشته باشد را از دست داده است.

حداقل از نوامبر گذشته، امید دولت ترامپ این بود که کاهش تدریجی درآمدهای نفتی روسیه در نهایت مسکو را مجبور به پذیرش مصالحه بیشتر در میز مذاکره کند. برای این منظور، ترامپ تحریم‌های جدیدی علیه صنعت نفت روسیه وضع کرد، به هند فشار آورد تا خرید نفت از روسیه را کاهش دهد و کمپین علیه ناوگان سایه روسیه را تشدید کرد.

اکنون، با توقف مؤثر عبور نفتکش‌ها از تنگه هرمز، دولت ترامپ مجبور شده است رویکرد خود را مجدداً تنظیم کند. وزارت خزانه داری ایالات متحده پیش از این فشار بر صادرات نفت روسیه را کاهش داده و در ۵ مارس اعلام کرد که به هند اجازه می‌دهد (و حتی تشویق می‌کند) تا خرید نفت روسیه را به مدت ۳۰ روز بدون جریمه از سر بگیرد. در عین حال، علاقه ایالات متحده به تعقیب ناوگان سایه روسیه کاهش یافته است. نه تنها بسیاری از دارایی‌های دریایی و هوایی ایالات متحده در خاورمیانه محصور شده‌اند، بلکه با توجه به اینکه ترامپ قیمت بنزین را به عنوان بخش کلیدی از دستور کار «مقرون به صرفه» خود در داخل کشور در نظر می‌گیرد، واشنگتن برای کمک به پایین نگه داشتن هزینه‌ها به نفت روسیه در بازار نیاز دارد.

سود اقتصادی بادآورده‌ای که روسیه از اختلال در تجارت ناشی از جنگ ایران دریافت می‌کند، ممکن است فقط در کوتاه‌مدت دوام بیاورد. اما حتی تسکین محدود، درآمد لازم را برای مسکو فراهم می‌کند تا تغییرات ساختاری دردناک در اقتصاد روسیه را برای مدتی به تعویق بیندازد. حداقل، درآمدهای نفتی بالاتر، گزینه‌های بیشتری را در اختیار پوتین برای تأمین مالی تلاش‌های جنگی‌اش قرار می‌دهد. عملیات نظامی ایالات متحده در خاورمیانه همچنین می‌تواند بر توازن نظامی در داخل اوکراین تأثیر بگذارد، به گونه‌ای که مذاکرات را برای مسکو کمتر جذاب کند.

هزینه‌های سریع دفاع هوایی و مهمات ایالات متحده علیه ایران، ذخایر را تخلیه کرده و آنچه را که برای پشتیبانی از دفاع از خود اوکراین در دسترس است، کاهش می‌دهد. اوکراین اکنون می‌تواند بخش زیادی از تجهیزات نظامی خود را تولید کند و در تولید پهپادهای مورد نیاز برای متوقف کردن حملات روسیه کاملاً خودکفا است. با این حال، هنوز برای رهگیرهای دفاع هوایی به ایالات متحده متکی است - همان سلاح‌هایی که امروزه به مقدار زیادی توسط نیروهای آمریکایی و شرکای خلیج فارس مورد نیاز است.

اگر محموله‌های دفاع هوایی ایالات متحده به اوکراین کاهش یابد، لزوماً اوضاع را در میدان نبرد فوراً تغییر نخواهد داد، اما زیرساخت‌های غیرنظامی و صنعتی اوکراین را آسیب‌پذیر خواهد کرد و به مرور زمان به تولید مواد دفاعی و جمعیت غیرنظامی آن آسیب خواهد رساند. اینکه آیا اثرات نظامی، صنعتی یا غیرنظامی از دست دادن حمایت ایالات متحده به اندازه‌ای بزرگ خواهد بود که اوکراین را به سمت امتیازات بزرگتر سوق دهد، نامشخص است، اما پوتین و مشاورانش ممکن است مایل باشند منتظر بمانند و ببینند، به این امید که چنین شود. در عین حال، اوکراین نیز ممکن است دلایل جدیدی برای طولانی کردن مذاکرات ببیند. به طور خاص، موفقیت تندروترین عناصر ائتلاف ترامپ در ترغیب او به حمله به ایران، ممکن است به اوکراین این امید را بدهد که یک جنگ موفقیت‌آمیز در خاورمیانه، جناح‌های آمریکایی را که بیشتر طرفدار اتخاذ موضعی سختگیرانه علیه روسیه هستند، بیش از پیش تقویت کند. این امر ممکن است در آینده درها را به روی تحریم‌های شدیدتر علیه روسیه و کمک‌های نظامی بیشتر به اوکراین باز کند. با توجه به مخالفت مداوم ترامپ با این اقدامات، چنین نتیجه‌ای بعید به نظر می‌رسد، اما رهبران اوکراین که چیز زیادی برای از دست دادن ندارند، ممکن است از این فرصت استفاده کنند.

با این حال، جدی‌ترین مانع پیش روی تلاش‌های ایالات متحده برای پایان دادن به جنگ در اوکراین، هر دو طرف درگیر را به طور یکسان تحت تأثیر قرار می‌دهد: از دست دادن اعتبار و اشننگتن به عنوان میانجی. ایالات متحده تاکنون دوبار، در ژوئن 2025 و هفته گذشته، در جریان مذاکرات به ایران حمله کرده است. برخی از شرکت کنندگان در جدیدترین دور دیپلماسی اظهار داشته‌اند که این مذاکرات ساختگی بوده و به عنوان یک عامل حواس‌پرتی در حالی که ایالات متحده و اسرائیل برای جنگ آماده می‌شدند، در نظر گرفته شده است. آتش‌بس غزه که دولت ترامپ بر سر آن مذاکره کرد، در بهترین حالت، به طور مشابه، جزئی از آب درآمد. گروگان‌ها آزاد شدند، اما حملات هوایی اسرائیل متوقف نشد.

در حال حاضر، مشخص نیست که آیا کیف یا مسکو به اشننگتن اعتماد دارند که می‌تواند به توافقی عمل کند یا به وعده‌های امنیتی خود به هر دو طرف عمل کند. روسیه نیز به نوبه خود ممکن است نگران باشد که هرگونه تضمینی از سوی ایالات متحده در مورد بی‌طرفی اوکراین یا گسترش ناتو به همان اندازه وعده‌های شفاهی ارائه شده به ایران، توخالی باشد. در همین حال، اوکراین به درستی نگران خواهد بود که امتیازات در دناکی بدهد، اما همچنان هیچ تعهد امنیتی الزام‌آوری از سوی ایالات متحده دریافت نکند و هیچ راهی برای جلوگیری از بازگشت جنگ به شرایط روسیه نداشته باشد.

این عدم اعتماد به ایالات متحده به عنوان میانجی، برای هرگونه تلاش دیپلماتیک به رهبری ایالات متحده کشنده است و حتی پس از پایان جنگ در ایران نیز غلبه بر آن

دشوار خواهد بود. با عدم اطمینان از اینکه مذاکرات به نگرانی‌های امنیتی اساسی آنها رسیدگی کند یا به آتش‌بس پایدار منجر شود، هم روسیه و هم اوکراین احتمالاً ادامه جنگ را انتخاب می‌کنند و روی دستاوردهای میدان نبرد به عنوان مسیر بهتر برای امنیت قمار می‌کنند.

اگر ترامپ در مورد پایان دادن به جنگ در اوکراین جدی است، دولت او باید اکنون به این فکر کند که برای بازسازی اعتبار و اشنگتن به عنوان یک مذاکره‌کننده و واسطه دیپلماتیک چه چیزی لازم است. گزینه‌ها ممکن است شامل اضافه کردن چهره‌های جدید به هسته تیم مذاکره‌کننده ایالات متحده یا شروع بحث‌های جدی در داخل و خارج از کشور در مورد چگونگی تدوین و الزام‌آور کردن تضمین‌های امنیتی پس از جنگ در کنار هرگونه آتش‌بس باشد.

ترامپ از پیچیدگی تلاش‌ها برای پایان دادن به جنگ در اوکراین ابراز تعجب کرده است. متأسفانه، این کار قرار است حتی دشوارتر هم شود.

سطری چند در مورد نویسنده این مقاله :

جنیفر کاوانا دکتر

جنیفر کاوانا، عضو ارشد و مدیر تحلیل نظامی در اولویت‌های دفاعی است. پیش از این، دکتر کاوانا، عضو ارشد بنیاد کارنگی برای صلح بین‌المللی و دانشمند ارشد علوم سیاسی در شرکت رند بود. او همچنین استاد راهنما در دانشگاه جورج تاون است.

----- **با تقدیم احترامات «2026-03-11»**

